



Sociological Explanation of the Bottlenecks and Problems of Political Participation of Marketeers in the Period of Moderation

Reza GholamiZarne*

Ebrahim Mottaghi,** Jalaledin Rafifar***, Ali BaghaeiSarabi****

Abstract

Following the migration of the prophet Mohammad to Medina, establishing the new political structure and increasing the number of Muslims, the newly established government faced new challenges and realities. One of these realities and challenges was the economic life of Medina society and the need for its organization. Accordingly, the present study based on a descriptive and explanatory method, tries to answer the question of how economic strategies of Nabawi Government could transcend the traditional economy to Islamic one and what were those strategies employed in that time. In fact, the aim of this study is to investigate the policies, strategies and approaches of the holy Prophet management in the economic arena and introducing it as an example for real Islamic economy. The results indicated that the Prophet Mohammad tried to illuminate the basic strategies and future of Islamic government in the economic arena based on the tangible necessities and realities. These strategies originated both from revelational and nabawi teachings and based on realities and necessities of establishing Islamic government, recognizing elements and capacities of Mohajirin and Ansar as well as circumstances of new environment and context. Trying to eliminate traditional treats, illuminating new concepts and elements of Islamic economy, endorsing economical basis of Muslims and cutting their dependence to Moshrkin and Ahlol-Ketab were some of the new strategies of Nabawi government. Therefore, the Prophet Mohammad sought to present and put new thinking and strategies in the new economy so as to organize new kind of economy in Medina which is called Islamic economy.

Keywords: political participation, marketers, moderation, grounded theory.

Article Type: Research Article.

Citation: GholamiZarne, Reza, Mottaghi, Ebrahim, Rafifar, Jalaledin & BaghaeiSarabi, Ali (2021). Sociological Explanation of the Bottlenecks and Problems of Political Participation of Marketeers in the Period of Moderation, 4(2), 661-689.

* Ph.D Student of Political Sciences, Department of Political Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

** Professor of International Relations, Department Law and Political Sciences, Political Sciences Department, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author: emottaghi@ut.ac.ir)

*** Professor of Anthropology, Faculty of Scocial Sciences, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran.

**** Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran.

International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 2, 661-689.

Copyright © The Authors

Publisher: Razi University.



تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال

رضا غلامی زرنه*

ابراهیم متقی،** جلال الدین رفیع فر*** و علی بقایی سرابی****

چکیده

مشارکت سیاسی افراد در هر جامعه‌ای، از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در رسیدن به دموکراسی و توسعه سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. نیاز به مشارکت و هم‌فکری اعضای جامعه و نیز احساس تعلق و اعتماد به حاکمیت، از ملزمومات دوسویه در جوامع پیشرفت و مردم‌سالار است. این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال با روش نظریه داده بنیاد به دنبال شناسایی شاخص‌های این مشارکت است. داده‌های پژوهش، از بین ۱۶ مصاحبه نیمه ساختاریافته به دست آمده است. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند از میان بازاریان تهران انتخاب و تعداد نمونه‌ها با توجه به رسیدن به اشباع مفهومی مشخص شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌های این پژوهش با کدگذاری انجام شده است. طی مراحل کدگذاری، داده‌ها ابتدا خرد و سپس دوباره باهم مرتبط می‌شوند. در این تحقیق از مجموع ۸۳۷ داده خام، ۳۸۷ مفهوم از داده‌های اولیه استخراج شده که از میان آن مفاهیم ۵۸ خرد مقوله و ۱۷ مقوله به دست آمده است. درنهایت مفهوم محوری «بی‌اعتمادی تدریجی» به عنوان پدیده اصلی که بقیه مقولات را پوشش می‌داد، انتخاب شد. نتایج این پژوهش نشان داد مهم‌ترین عامل در عدم مشارکت یا بی‌تفاوتنی سیاسی اجتماعی مشارکت‌کنندگان پژوهش، از دست رفتن تدریجی اعتماد آنها به حاکمان سیاسی و باور به بی‌تأثیری و صوری بودن مشارکت و نقش سیاسی خود است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت سیاسی، بازاریان، اعتدال، نظریه داده بنیاد.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

** استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) emottaghi@ut.ac.ir

*** استاد مردم‌شناسی / انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

**** استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران.



۱. مقدمه

مشارکت سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی، از ارکان مهم رفتارهای سیاسی به‌شمار می‌رود. در جامعه کنونی ایران، وجود یا عدم وجود مشارکت سیاسی در بین افراد جامعه رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظام و همبستگی مردم با آرمان‌ها و اهداف کوتاه و بلندمدت آن دارد. مشارکت سیاسی افراد در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه نشان از بلوغ سیاسی افراد و توسعه سیاسی آن جامعه بین جوامع دیگر دارد. در این میان مشارکت سیاسی بازاریان و طبقه بازرگان و تجار جامعه، به عنوان پیش‌قرارolan عرصه اقتصادی جامعه، می‌تواند نقش مؤثری در همداستانی و همنوایی اقتصاد مردمی با سیاست‌های نظام داشته باشد.

مشارکت شهروندان در یک جامعه، درجات و انواع مختلفی دارد که شامل همکاری و همیاری تا همبستگی و انصباق و پذیرش با افراد و جامعه می‌شود. همه این اشکال مشارکت به‌خصوص مشارکت در امور سیاسی در قوام و دوام حیات اجتماعی نقش‌آفرینی مثبت و مؤثری داشته‌اند به همین دلیل تشویق و ترغیب به مشارکت همواره مورد توجه مصلحان اجتماعی بوده است. مشارکت مردم در سیاست کشور امری حیاتی برای رشد دموکراتی و افزایش مشروعیت یک کشور است که می‌توان آن را به عنوان طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های سیاسی ازسوسی شهروندان در نظر گرفت که بر روند سیاست کشور و بدنی حکومتی جامعه اثر می‌گذارد (Jakubowska and Kaniasty, 2015). ر. نظام سیاسی، به دنبال جلب مشارکت حداثتری افراد جامعه خود، به ویژه بازاریان و طبقاتی که نقش پررنگی در چرخه اقتصادی جامعه دارند، است. یکی از دغدغه‌های هر نظامی، ناهمنوایی و عدم مشارکت افراد جامعه، به دلایل عدم همراهی با نظام و مخالفت با اهداف و برنامه‌های آن نظام است. برای جلب این همنوایی و ایجاد مشارکت سیاسی در بین آحاد مردم، باید به بررسی موانع و مشکلات عدم مشارکت، پرداخته شود و ضمن برطرف کردن آن موانع، زمینه‌های مشارکت حداثتری افراد جامعه را فراهم کرد. در تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر ایران ظهر و نقش‌آفرینی گروه‌های سیاسی - اجتماعی چندی را شاهد بودیم.

هریک از این گروه‌ها بنابر مقتضیات زمان و بسترهای فکری، اجتماعی و اقتصادی خود روابط متفاوتی با ساخت سیاسی برقرار کرده و در تحولات و پویش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته‌اند که یکی از این گروه‌ها، بازاریان بوده‌اند.

۲. بیان مسئله

تحولات سیاسی اخیر در ایران و بهویژه جنبش‌های و اعتصابات مردمی، به اذعان کارشناسان و تحلیل‌گران اقتصادی و سیاسی، از تنگناهای معیشتی و نیز گسست بین دولت و ملت نشئت گرفته است. احساس سرخوردگی سیاسی و اقتصادی در بین مردم، باریک‌تر شدن طبقه اقتصادی متوسط جامعه و تنگناهای اجتماعی و سیاسی دیگر، روزبه‌روز مردم را به مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی، اجتماعی در جامعه، بی‌انگیزه‌تر می‌کند. در این میان، بازاریان با نقش حساس خود در تعیین و تغییر موزانه اقتصادی - سیاسی (همان‌طوری که در طول تاریخ نشان داده‌اند)، می‌توانند به عنوان تأثیرگذارترین طبقه جامعه در گذار مسالمت‌آمیز جامعه به دموکراسی و تحولات مثبت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یا بر عکس، عمل کنند.

مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی، اجتماعی کشور، نه تنها نشان‌دهنده سلب اعتماد آنها به حاکمیت است، بلکه نشان از آغاز دوره و خالی شدن عرصه سیاسی از توده دلسوز و اعتدال‌گرای جامعه است که خود زمینه خفغان سیاسی و روی کار آمدن جناح‌های تندر و رادیکال را فراهم می‌کند. بنابراین احیای مجدد روحیه مشارکت‌جویانه در بین تمام افراد جامعه، بهویژه بازاریان، می‌تواند به عنوان ایجاد توازن بین دیکتاتوری و دموکراسی خواهی عمل کند.

مشارکت سیاسی و نقش آن در ثبات و ابقاء یک جامعه و برقراری نظم سیاسی در آن جامعه اهمیت دارد. با مرور تاریخ می‌توان به اهمیت مشارکت سیاسی مردم در تعیین سرنوشت حکومت‌ها و ملت‌ها پی‌برد. حال با صرف نظر از تاریخ دیگر ملل، می‌توان گفت در جامعه ما رویدادهای بزرگ و مهمی رخ داده است که مهم‌ترین عامل این

رویدادها را می‌توان حضور گسترده مردم و مشارکت آنان در صحنه دانست (Mekonen and Mulugeta Berihun Asfaw, 2016). بزرگ‌ترین قیام‌های ملی و جنگ‌های تاریخی در ایران به‌واسطه مشارکت مردم معنا یافته و تلخ و شیرین و ناگوارترین شکست‌ها در سایه عدم مشارکت به وقوع پیوسته است (حیدری ساریان، ۱۳۹۷).

تاکنون پژوهش‌های زیادی در حوزه مشارکت سیاسی انجام شده است، اما درخصوص تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال تاکنون پژوهشی نداشتمیم. از این‌رو با توجه به اهمیت مطالب مطرح شده هدف پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال است. هدف محقق از انتخاب بازاریان برای پژوهش، ارزیابی نگرش و تلقی آنها از مشارکت اجتماعی سیاسی، در دوران اعتدال این بود که آنها به‌دلیل وضعیت نسبتاً مرتفع و ثبات اقتصادی خود، کمتر درگیر تنگناهای اقتصادی حاصل از گرانی و افزایش تورم‌اند و فرصت پرداختن به مسائل غیرمعیشتی و مالی را دارند و از سوی دیگر، به‌دلیل ارتباط تنگاتنگ شغل خود با تصمیمات و مشی‌های سیاسی حاکم بر جامعه، بیشترین تأثیرپذیری را متحمل می‌شوند به همین دلیل بازاریان دارای درک نسبتاً بیشتری از وضعیت سیاسی اقتصادی جامعه‌اند.

یافته‌های پژوهش رستمی، دهقان‌نژاد و محمودآبادی (۱۳۹۸)، با عنوان «تأثیر سیاست‌های اقتصادی در تقابل بازاریان با حکومت در (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)» نشان می‌دهد سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت علیه بازاریان، مداخله نهادهای دولتی در امور بازار، افزایش روزافزون نقش دولت در اقتصاد، بحران‌های اقتصادی و تحت فشار قرار گرفتن بازاریان از سوی دولت و همچنین تلاش دولت برای مدرنیزه کردن اقتصاد و اجرای برنامه توسعه صنعتی شتابان در کشور و پیامدهای ناشی از آن، به‌طور روزافزون عرصه را بر بازاریان تنگ کرد و با تهدید کسب‌وکار بازاریان، نارضایتی و واکنش آنها را علیه حکومت پهلوی دوم برانگیخت. این پژوهش شباهت موضوعی زیادی با مقاله حاضر دارد و نتایج آن نیز با نتایج پژوهش حاضر هم‌سoust.

در پژوهش دهقان‌نژاد، رستمی و منتظرالقائم (۱۳۹۶)، با عنوان «بررسی تحلیل زمینه‌ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، براساس «مدل بسیج» چالز تیلی (۱۳۴۰-۱۳۵۷)»، تلاش شده تا با روش تحلیلی - تاریخی و با تکیه بر متغیرهای اصلی «مدل بسیج» چالز تیلی، تبیینی واقعی و روشن برای ارائه شود. بنابراین، ابتدا نقش ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص بازاریان در این زمینه و سپس، نقش و عملکرد دولت و تأثیر آن بر جهت‌گیری‌ها و پویش‌های سیاسی بازاریان، ارزیابی و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش زارعی و کولیایی (۱۳۹۵)، با عنوان «نقش طبقه بازار در تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران» نشان می‌دهد بازار پس از انقلاب اسلامی تا دهه اخیر با تحولات بسیاری روبرو بوده است، اما توانسته جایگاه سنتی خود را تاکنون حفظ کند. بازاریان با روحانیون پیوسته ارتباطات خوبی داشتند و از حامیان اقتصادی آنها بودند. با پیوستن بخشی از بازار به دولت بعد از انقلاب، بخش دولتی بازار شکل گرفت و این بخش توانست مناصبی را تصاحب کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بازار فقط یک مکان تجاری محض و تکبعده نیست، بلکه باید آن را پیکره‌ای مرکب از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی دانست. یافته‌های این تحقیق نیز منطبق با یافته‌های پژوهش حاضر است. بازار و بازاریان به مثابه موجودی زنده و فعال، برای پویایی و رشد خود و همچنین یافتن انگیزه‌های لازم برای مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، به زمینه‌های آزاد و مبسوط در عرصه سیاسی و اقتصادی نیاز دارند.

بهشتی سرشت، رحیمی و آدینه‌وند (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه (۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ ش/۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ م)» نشان می‌دهند بعد از انقلاب مشروطیت، به دلیل برنامه‌های نوسازی دولتی، جایگاه و موقعیت بسیاری از اقشار جامعه تغییر یافت و این موضوع بر جنبه‌های مختلف حیات آنان تأثیر گذاشت. اصناف و بازاریان به عنوان بخشی از ساختار حیات شهری، با تأثیرپذیری از

سیاست‌های دولتی و اوضاع جهانی، در جریان حوادث مهم کشور قرار گرفتند. دولت رضاشاه با اشراف به کارکردهای چندگانه اصناف، در بسیاری از سیاست‌های داخلی بازاریان را مدنظر داشت و با نظارت بر نظام صنفی، در صدد کاهش قدرت آنان بود؛ بنابراین برنامه‌های عمرانی و اقتصادی دولتی، واکنش‌هایی را در میان اصناف و بازاریان به وجود آورد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بازاریان در دهه ۱۳۰۰ ش، کارکرد و نقش پژوهنگی در برنامه‌های سیاسی و اقتصادی داشتند؛ ولی برنامه‌های دولت رضاشاه، در راستای نوسازی و تأسیس دولت مطلقه و ورود آن به عرصه اقتصاد، قدرت سیاسی و مالی آنان را کاهش داد.

۳. رویکرد نظری

در بررسی نظریه‌های ارائه شده توسط صاحب‌نظران مرتبط با موضوع پژوهش، در ابتدا اشاره‌ای به نظریه هانتینگتن می‌کنیم. از دیدگاه وی «فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی بیانجامد: یک طریق آن از مجرای تحرک اجتماعی است؛ به این صورت که کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر به‌نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی، به عنوان متغیرهای واسط، مشوق مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. از نظر آنان از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی وی دارد. دیدگاه دوم تأثیر وسعه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نظیر اتحادیه‌های شغلی و صنفی و گروه‌های مدافعان علائق خاص است که در جامعه توسعه یافته‌تر بر تعداد آنها افزوده می‌شود. این عامل، در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است،

اهمیت بیشتری دارد. در این جوامع فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر، به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد» (Quaranta, 2016: 795). ازسوی دیگر، رابت دال در صدد ارائه دلایلی است که چرا امروزه با اینکه در اجتماعات بشری سطح اطلاعات مردم بالاتر می‌رود حق رأی آنها وسیع‌تر و دستگاه‌های سیاسی دموکراتیک، گسترده‌تر می‌شوند، اما تعداد افراد بی‌تفاوت زیاد است. او چندین دلیل در قالب قضایای روان‌شناختی رفتارگرایانه ارائه می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. اگر مردم در ارزیابی‌شان متوجه شوند پاداشی که از درگیری در امور مشارکتی و سیاسی به‌دست می‌آورند، از پاداشی که از دیگر فعالیت‌ها به‌دست می‌آورند کم‌تر باشد، تمایل کم‌تری به مشارکت خواهند داشت.
۲. هرگاه مردم در بین شاخه‌ها و شقوق انتخاباتی پیش روی خودشان تفاوت بارزی احساس نکنند، کم‌تر مایل به مشارکت خواهند بود.
۳. اگر مردم فکر کنند هر کاری که در حوزه مشارکت و انتخابات نمایندگان انجام می‌دهند، نمی‌تواند منشأ تغییرات شود، هرگز در آن وارد نمی‌شوند.
۴. هرگاه مردم فکر کنند بدون حضور آنها نیز نتیجه احتمالی مشارکتی تأمین می‌شود، احتمال مشارکت کم می‌شود.
۵. هرگاه مردم فکر کنند دانش و آگاهی‌شان محدودتر از آن است که در مشارکت کارایی کافی داشته باشند، ترجیح می‌دهند کم‌تر مشارکت کنند.
۶. هرگاه مردم فکر کنند پاداش مشارکت برای آنان کم‌تر از هزینه آن است ترجیح می‌دهند مشارکت نکنند (علیئی، ۱۳۸۹: ۸۰).

ازسوی دیگر، براساس نظریه دال، دلیل عدم مشارکت سیاسی در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، غلبه و استیلای نظر عده کوچک و بانفوذ در اتخاذ سیاست‌های کلان است. «به‌نظر دال هرچند در کشورهای توسعه‌یافته به‌دلیل فقدان سازمان‌دهی سیاسی مشخص، تحلیل مشخصی از رابطه بین عقاید سیاسی و عمل سیاسی وجود ندارد. اما

احتمالاً این نکته روشن است که بهدلیل سطح پایین آموزش همگانی در این کشورها عقاید اقلیت کوچکی جهت‌گیری سیاسی کل جامعه را سبب می‌شود. این رابطه به نسبت گرایش افراد تحصیل‌کرده تعديل می‌شود» (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۸). «همدلی» مفهومی است که لرنر از آن برای سنجش مشارکت استفاده می‌کند. «پیش‌فرض آنکه همدلی به معنای توانایی فرد در این خصوص، که خود را به جای دیگران قرار بدهد، صرفاً در جوامعی رخ می‌دهد که بهموجب آن با دیگران هم‌گرا می‌شود، اول آنکه شباهتی که با دیگران دارد و دوم گرایش شبیه بودن به دیگران می‌باشد. لذا لرنر به آن دسته از توان‌ها و قابلیت‌هایی که باعث می‌شود فرد خود را به جای دیگران بگذارد و تحمل پذیرش قالب‌های غیرخودی را داشته باشد، خودپذیری یا همدلی می‌گویند» (قدس جعفری و باقرزاده، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

از نظر اینگلهارت (Inglehart) مستلزم مشارکت در مغرب زمین به سه عامل ارتقای تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی (Value Priorities)، بستگی دارد. «علاوه بر عوامل یادشده، رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. بهنظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت می‌باشد، زیرا به‌واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و درنتیجه، حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌گردد» (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴). در این پژوهش مطالعه ادبیات نظری (برخی نظریه‌ها، مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع (انواع مشارکت)، زمینه‌های آشنایی محقق با برخی مفاهیم و مقولات مناسب با موضوع را فراهم کرده است. این نظریه‌ها را می‌توان به دو دسته نظریه‌های خرد (نظریه انسان نوگرا، نظریه ویژگی‌های فردی، نظریه انگیزشی) و نظریه‌های کلان (نظریه سرمایه اجتماعی و فرهنگی - اقتصادی) تقسیم کرد.

نظریه ویژگی‌های فردی لرنر مطرح می‌کند جامعه جدید مشارکتی است و نوسازی، حرکت جامعه سنتی به‌سمت جامعه مشارکت‌جوست. لرنر شکل‌های مشارکت را به مؤلفه‌های مشارکت روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی کرده

است کرده است. هانتینگتون کیفیت و سطح مشارکت سیاسی را در دو سطح کلان و خرد مطالعه می‌کند. در سطح کلان نهادمندی و ابزارهای نهادینه کردن توده‌ها را احزاب سیاسی، انتخابات و مجالس قانون‌گذاری می‌داند. وی در تعریف کارکرد احزاب سیاسی از سازمان‌دهی مشارکت سیاسی، ادغام منافع و ایجاد پیوند میان نیروهای اجتماعی و حکومتی نام می‌برد. یعنی آنچه هانتینگتون نهادمندی سیاسی می‌نامد و آن را فرا گرددی می‌داند، سازمان‌ها و شیوه‌های عملی با آن ارزش و ثبات می‌یابند (Huntington, 1998).

۴. روش پژوهش

در میان انواع روش‌های کیفی، روش زمینه‌ای از روش‌های مورد علاقه محققان که به دنبال شناخت عمیق از درک افراد درباره پدیده مورد نظر است. استغراق کامل پژوهشگر در موضوع پژوهش و امکان استفاده از انواع سؤالات نیمه‌ساخت‌یافته و امکان تغییر آنها در هر مصاحبه، برحسب نیاز محقق، از ویژگی‌های این روش پژوهشی است. خاصیت رفت و برگشتی (فرایندی) بودن این روش، امکان واقعی ساختن داده‌های مورد نیاز را در اختیار محقق قرار می‌دهد. محقق در این پژوهش، به دنبال شناخت، درک و تجربه زیسته افراد مورد نظر (بازاریان)، از پدیده مشارکت و علل و عوامل افزایش، کاهش یا بی‌تفاوتوی نسبت به آن است. بنابراین، روش کیفی زمینه‌ای، با تأکید بر مصاحبه‌های عمیق همراه مشاهده و درگیری در میدان و موضوع، روش مناسبی برای کسب داده‌های عمیق است و همچنین استفاده از روش‌های کمی، روشی مکمل برای اعتباردهی بیشتر به پژوهش محسوب می‌شود.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان

شماره	نام	سن	شغل	تحصیلات	نقش سیاسی	رویکرد سیاسی
۱	رسول	۴۳	فروش لوازم زنانه	دیپلم	عدم ادامه شرکت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۲	افشین	۴۵	فروش پارچه	دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۳	مرتضی	۴۸	فروش گیاهان دارویی	دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۴	اکبر	۴۵	فروش مواد غذایی	فوق‌دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۵	محمدحسین	۵۸	فروش لوازم خانگی	فوق‌دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۶	محمدرضا	۴۵	فروش پارچه	لیسانس	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۷	ستار	۴۶	فروشنده لباس	لیسانس	عدم عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۸	امیر	۴۰	فروش لوازم خانگی	لیسانس	عدم عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۹	امید	۴۳	فروش قهوه	لیسانس	عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۰	فریبرز	۳۷	فروش لوازم خانگی	کارشناسی ارشد	عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۱	بابک	۴۸	فروش کاغذ	دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۲	احمد	۴۳	فروش لوازم خانگی	دیپلم	عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۳	موسی	۵۰	فروشنده لباس	دیپلم	عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۴	حمدی	۴۴	فروش لوازم خانگی	دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی

تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات ... (رضا غلامی زرنه، ابراهیم متقی و ...) ۶۷۱

شماره	نام	سن	شغل	تحصیلات	نقش سیاسی	رویکرد سیاسی
۱۵	احسان	۴۶	فروش پارچه	فوق دیپلم	عدم عضویت در گروههای ثانویه	بی اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۶	قاسم	۳۹	فروش لوازم خانگی	لیسانس	عدم عضویت در گروههای ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی

مشارکت‌کنندگان بخش کیفی این پژوهش ۱۶ نفر از بازاری‌های منتخب با روش هدفمند از بین واجدان شرایط است. تعداد مشارکت‌کنندگان براساس رسیدن به مرحله اشباع داده‌های نظری و تا حدودی مفهومی تعیین می‌شود. جدول ۱ مشخصات کلی درباره مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد (تعدادی از اسماء مستعارند).

در بخش کیفی پژوهش، هدف محقق، کشف و برقراری ارتباط بین مفاهیم به‌دست آمده است. بخش کیفی برمبانی جمع‌بندی نظرهای مصاحبه‌شوندگان از مشارکت و درک آنها از علل، زمینه‌ها و پیامدهای آن براساس روش نظریه زمینه‌ای است؛ این تحقیق با کمک نمونه‌گیری نظری، غیراحتمالی و هدفمند به بررسی تجربه زیسته افراد از موضوع پژوهش می‌پردازد. نمونه‌گیری این پژوهش، نظری و هدفمند است. مصاحبه‌ها در محیط کاری (بازار) انجام شده است.

ماهیت این تحقیق به‌گونه‌ای بود که در مرحله کیفی، از بازاریان تهران، مصاحبه‌های عمیقی درخصوص درک آنها از مشارکت و علل و عوامل گرایش به آن یا بی‌تفاوتوی و عدم مشارکت آنها در ابعاد سیاسی، اجتماعی، صورت گرفت. یافتن مشارکت‌کنندگان مطلع و امکان مصاحبه با آنها با توجه به مشغله بازاریان در ساعت‌کاری، محدودیت‌های بسیاری برای محقق به دنبال داشت. مشارکت‌کنندگان تمایلی به مصاحبه در مورد مسائل سیاسی یا مشارکت سیاسی نداشتند و بنا به دلایلی از بیان نظرهای خود امتناع یا آنها را سانسور می‌کردند. درنهایت، اشباع نظری لازم بعد از مصاحبه‌های یازدهم، حاصل شد و پنج مصاحبه بعدی برای اطمینان از حصول اشباع نظری صورت گرفت.

با توجه به موضوع پژوهش حاضر که در رابطه با تجربه زیسته بازاریان از مفهوم

مشارکت است، در ابتدا چند سؤال کلی و بسته تهیه شد، سپس محقق هنگام مصاحبه، سؤالات را برای رسیدن به داده‌های مورد نیاز تغییر می‌داد یا کم و زیاد می‌کرد. محورهای سؤالات مصاحبه حول وحش درک و تلقی مشارکت‌کنندگان از مشارکت سیاسی، علل و شرایط مداخله‌گر در کم و کیف مشارکت سیاسی افراد و راهبردهای مشارکت‌کنندگان برای افزایش مشارکت سیاسی و درنهایت پیامدهای راهبردهای اتخاذ شده است.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (Trustworthiness) (معادل پایایی) (Validity) و روایی (Reliability) در تحقیقات کمی) از سه فن متعارف و مرسوم (Silverman, 2013: 15) زیر استفاده شد:

۱. مقایسه‌های تحلیلی: رجوع مجدد به داده‌های خام و نظریه‌های مرور شده، باعث می‌شود محقق در مصاحبه‌های بعدی، به صورت فرایندی، با موضوع پژوهش، به صورت هدفمندتر و عمیق‌تر ارتباط برقرار کند و داده‌های بعدی حول محور مقوله‌های استخراج شده، بسط یابد.
۲. کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء: در این پژوهش با استفاده از مراجعه مجدد به مشارکت‌کنندگان (۶ نفر) از آنها خواسته شد تا نظر خود را درباره راستی و صحت گزاره‌های به دست آمده و تطابق آنها با منظور مشارکت‌کنندگان تأیید کنند.
۳. استفاده از فن ممیزی: در این پژوهش سعی شد با استفاده از نظرهای استادان راهنمای مشاور و نیز افراد آشنا با روش پژوهش، یافته‌ها به واقعیت نزدیک‌تر باشند.

۵. تحلیل داده‌ها و کدگذاری

فرایند کدگذاری یا روند تجزیه و تحلیل داده‌ها نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند که این همان فرایند اصلی است که نظریه براساس یافته‌ها تدوین می‌شود. کدگذاری، روند اصلی ساختن و پرداختن نظریه از داده‌های است (ازکیا، احمدرش و پارتازیان، ۱۳۹۶: ۳۱۸). کدگذاری انجام شده در این پژوهش، بعد از ضبط و

یادداشت‌برداری در هنگام مصاحبه، در منزل تایپ و بازخوانی و براساس ارتباط مفهومی داده‌ها مرتب شد. سپس داده‌های هم‌مفهوم در یک طبقه مفهومی و چند طبقه مفهومی مشترک در یک طبقه کلی تر به نام خردمنقوله و در آخرین مرحله، چندین خردمنقوله مشترک در یک چتر انتزاعی تر به نام مقولات، طبقه‌بندی شدند. برای تشریح جریان کار تبدیل داده‌های خام به مفاهیم، یک نمونه از مصاحبه‌ها و نیز به نحوه رسیدن از داده‌های خام، به مفاهیم به دست آمده اشاره می‌کنیم. در جریان تحلیل خطبه‌خط مصاحبه‌های صورت گرفته، پاسخ‌گویان جملات زیر را بیان کرده‌اند. جدول ۲ نحوه وارد کردن داده‌های خام به جدول سه ستونی بعد از مرتب کردن مفاهیم هم‌معنا یا مشترک است. داده‌هایی که مفهوم یا مفاهیم مشترک داشتند؛ یک مفهوم به خود اختصاص می‌دهند. در جدول ۲، به نمونه‌ای از مفاهیم مشترک داده‌های خام مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کنیم.

جدول ۲. نمونه سیر از داده‌ها به مفاهیم

کد	داده خام	مفاهیم
رسول (۱)	«به نظر من مشارکت سیاسی یعنی این که در مواردی سکوت نکردن در صورت احساس اثربخشی رأی و حرف ما می‌توانه اثری داشته باشد، سکوت نکنیم»	سکوت نکردن در صورت احساس می‌کنیم رأی و حرف (درک)
افشین (۶)	«به نظر من مشارکت سیاسی یعنی این که در مواردی که احساس می‌کنیم رأی و حرف ما می‌توانه اثری داشته باشد، سکوت نکنیم»	بی تفاوتی مردم
مرتضی (۱)	«الآن مردم کلاً بی تفاوت شدن»	درک من از مشارکت سیاسی این است که در هر کشوری که برمبنای مردم‌سالاری اداره می‌شود، باید حرف و نظر مردم‌سالار باشد»
اکبر (۱۶-۱۷)	«مشارکت سیاسی ما بعید می‌دونم در زندگی مون بی‌تأثیر دیدن مشارکت سیاسی دخلی داشته باشد»	کشوری که برمبنای مردم‌سالاری اداره می‌شود، باید حرف و نظر مردم‌سالار باشد»

کدهای به دست آمده (مفاهیم و مقولات) بر حسب موضوع تحقیق و پرسش‌های پژوهشی و نوع داده‌ها، دو حالت دارند: یا مفهومی در بدنه متن است که به آنها کدهای «متصل به متن» (in Vivo Code) می‌گوییم و آنها را نشانه‌گذاری و جدا می‌کنیم یا سازه‌های مفهومی و مقوله‌ای استنباط شده ما از متن است که ضمن وفاداری کامل، آنها را کدهای «برساخته از متن» (Constructed Code) تعبیر می‌کنیم. در جدول ۳ نمونه‌ای از مراحل کدگذاری داده‌های خام و انتخاب مفاهیم و سپس گرد کردن مفاهیم مشترک در زیر مجموعه خرده‌مقولات را آورده‌ایم.

جدول ۳ نمونه سیر از داده‌ها به مفاهیم به خرده مقولات و مقولات

مقولات	خرده‌مقولات	مفاهیم	کد
رواستی سیاسی	شفایت مسئلان (راهبرد)		
اصلاحات اقتصادی			
اصلاحات پایدار	اراده جدی برای اصلاحات در اقتصادی	رسول (۴۲-۳۹)	
مسئلان			
بی‌فایده بودن اصطلاحات ناپایدار			
تدابیر اصلاحی	توجه به مردم	افشین (۵۰)	
	اهمیت به دیدگاه مردم (راهبرد)		
	مبازه با فساد		مرتضی (۱۹-۱۸)
اصلاحات پایدار	گسترش عدالت		
اقتصادی	حیاتی بودن نقش بازار در کشور		
	لزوم امنیت اقتصادی	محمدحسین (۱۱-۱۳)	
	جلوگیری از فرار سرمایه		

در جدول‌های مختلف، مقوله‌هایی نشان داده شدند که از داده‌های خام و طیف‌های مفهومی برآمده از آن داده‌ها به وجود آمده‌اند و حاوی معانی انتزاعی شده

۱. این شماره‌ها، شماره‌های جملات مصاحبه در جدول کدگذاری باز است.

نهایی و مرتب شده‌اند؛ از مقوله‌های فرعی تا مقوله‌های اصلی (خرده‌مقولات تا مقولات). بعد تحلیل و تفسیر داده‌ها و مفاهیم و مقولات به‌دست آمده از تحقیق، مدل محوری «بی‌اعتمادی تدریجی» به‌عنوان مقوله‌های اصلی که بقیه مقولات و مفاهیم را تحت پوشش خود درمی‌آورند، انتخاب شدند.

۶. یافته‌ها (مفهوم‌ها و مقوله‌های استخراج شده از اطلاعات)

نتیجه کدگذاری سه مرحله‌ای اطلاعات گردآوری شده، استخراج ۸۳۷ داده خام که با کدگذاری‌های سه‌گانه منجر به طبقات مفهومی و انتزاعی به شرح زیر گردید. ۳۸۷ کد مفهومی، ۵۸ خرده مقوله. مطابق فرایند روش‌شناختی، که شرح داده شد، طی سه مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری، از درون اطلاعات اولیه، رمزها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس، در مصاحبه‌های بعدی، مفاهیم جدید اضافه و به عنای مفاهیم قبلی افزوده شد. در مرحله بعد، خرده مقولات در قالب مقولات قرار گرفتند تا اینکه ۱۷ مقوله برای این پژوهش به دست آمد. مقوله‌ها نیز برای ارائه در مدل پارادایمی در شش دست ذیل حول مقوله هسته قرار گرفتند:

• پدیده

• شرایط علی

• عوامل بسترساز

• شرایط مداخله‌گر

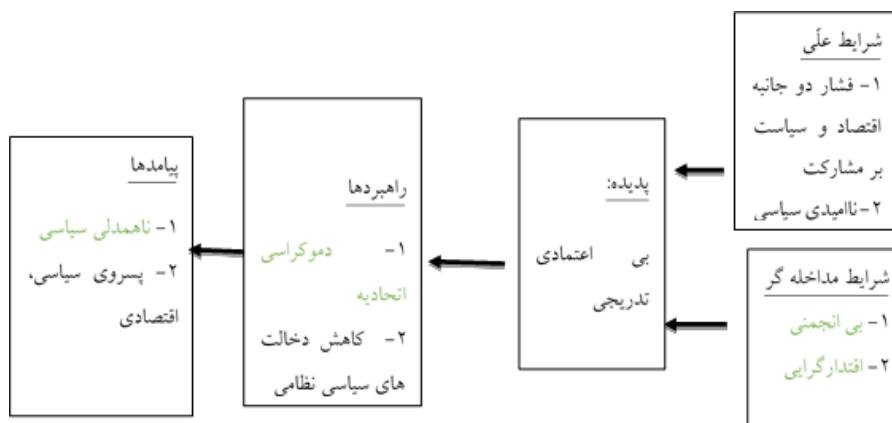
• راهبردها

• پیامدها

۷. پدیده محوری بی‌اعتمادی تدریجی

اعتماد اجتماعی از مفاهیم مهم و حیاتی در علوم اجتماعی و عاملی برای تعامل میان افراد نسل‌های مختلف جامعه است. در عین حال، اعتماد می‌تواند روابط بین افراد را در

سطوح خرد و کلان تسهیل کند. اعتقاد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی و یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیا پر مخاطره مدرن است. عدم توجه به اعتقاد سبب تأخیر در کارها و هزینه‌بر شدن آنها، خلل در روابط و تعاملات و باعث ایجاد مشکلاتی در مشارکت اجتماعی، نظم اجتماعی، سلامت اجتماعی و به‌طور کلی عدم توسعه همه‌جانبه می‌شود (مرادی پیام، هادی‌زاده و یونسی، ۱۳۹۴: ۱).



شکل ۱. مدل انتخابی بی‌اعتمادی تدریجی

بنابراین، بی‌اعتمادی، پدیده‌ای نیست که یکباره به وجود آید؛ بلکه در طول حوادث و جریان‌های متوالی، بذر بی‌اعتمادی در اذهان و دل‌های افراد، کاشته می‌شود و ریشه می‌دواند. محقق در این پژوهش دریافت که عنصر اصلی و مرکزی داده‌های حاصل از مصاحبه، عدم اعتماد یا از بین رفتن تدریجی آن، در بین مشارکت‌کنندگان است. شرایط علی این پدیده عبارت است از: ۱. فشار دو جانبه اقتصاد بر مشارکت و ۲. ناامیدی سیاسی. شرایط مداخله‌گر در به وجود آمدن بی‌اعتمادی میان افراد مشارکت‌کننده پژوهش شامل دو عامل ذیل است: ۱. عقب‌ماندگی سیاسی اجتماعی و ۲. نبود آزادی بیان. راهبردهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان برای فائق آمدن بر شرایط بی‌اعتمادی

تدریجی، عبارت‌اند از: ۱. تدبیر اصلاحی و ۲. کاهش دخالت‌های سیاسی - نظامی. در نهایت، پیامدهای عمدۀ این پدیده که در این پژوهش شناسایی شد، عبارت‌اند از: ۱. بی‌اعتمادی سیاسی و ۲. پس‌روی سیاسی - اقتصادی.

۸. شرایط علی‌بِه وجود آور نده پدیده بِی‌اعتمادی تدریجی

۱. فشار دوچانبه اقتصاد و سیاست بر مشارکت: در پندر مصاحبه‌شوندگان، فشار و تنگنای حاصل از شرایط بحرانی اقتصاد و تدبیر نه‌چندان عقلانی سیاسی، فشارهای مضاعفی بر مردم وارد می‌کند. نتیجه این فشارها، بی‌اعتمادی تدریجی به مشارکت‌های عمومی و اجتماعی - سیاسی است. استفن و لاو (Stephen and Law) معتقدند وجود امنیت در دو ساختار اقتصاد و سیاست، برای رشد و پیشرفت یک کشور، امر بدیهی است. «دو سیستم سیاسی و اقتصادی در تعامل گسترده‌ای نسبت به یکدیگر به‌سرمی‌برند و نظریات معطوف به تقدم هرکدام بر دیگری، بر وجهی از تقلیل گرایی گرفتار آمده است. پوشش امنیت در سیستم سیاسی، نزدیک‌ترین تعامل با وجود سیستم اقتصادی را داراست، به‌طوری‌که بر بعد امنیت در هر دو ساختار عنایت شایانی می‌گردد» (Stephen and Law, 1988) ازسوی دیگر، شرایط ویژه و منحصر‌به‌فرد اقتصاد سیاسی ایران، از عمدۀ‌ترین علل به وجود آمدن شرایط داخلی و مناسبات بین ملت - دولت، به‌شمار می‌رود.

«فضای اقتصادی ایران امروز، رویدادهای ویژه و منحصر‌به‌فرد اقتصادی را شاهد است که وقوع برخی از آنها تاکنون در دنیا سابقه نداشته؛ از این‌رو زمانی که شرایط ویژه و بدون الگویی به وجود می‌آید، ضرورت نوآوری و ایده‌پردازی ازسوی صاحب‌نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت پیدا می‌کند. در هیچ‌یک از مکتوبات و نظریه‌های متدالو اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و ... در آن نسخه شفابخشی ارائه شده باشد» (میلانی، ۱۳۹۴: ۵).

محمد رضا: «حتی دوستای من هم همین طور اونا هم تو کار نخ هستند الان دیگه همش در حال گریه کردن هستند چون پولشون روی هواست و زندگیشون روی هواست فقط دارن حمالی می‌کنن برای تولید که هیچ فایده‌ای هم برashون نداره. اصناف فقط کارشون اینه که موقع که درگیری پیش میاد ما را مجبور کنند که مغازه‌های مون رو باز کنیم یا فلان کار را بکنیم. خلاصه من که ۲۵ - ۲۰ سال تو بازار و دوستای منم همین طور و می‌دونم نظر اونا هم همینه. هیچ‌کدام اینا (بازاریان) به مشارکت سیاسی اعتقادی ندارند و تنها پول می‌شناسند پول داشته باشی همه‌چی داری. یعنی همه برashون یه چیز مهمه و اصلاً می‌گن معنی مشارکت سیاسی چیه و چه معنی می‌تونه داشته باشه چه اثرباره و یا چه تأثیر یا نفعی برای ما داره و مشارکت چه سیاسی چه غیرسیاسی هیچ تأثیری در بازارشون نداره و نخواهد داشت».

فریبرز: «از سوی دیگر عافیت طلبی صنفی بخشی از عوامل اصلی در عدم مشارکت سیاسی است. دریافت شخصی من از بدنه بازار این است که حال بازار ترجیح می‌دهد کمتر در چشم حاکمیت باشد تا این‌گونه موانع کمتری در راه کسب‌وکار آنها گذاشته شود. در بین بازاری‌ها ترجیح داده می‌شود که مشارکت سیاسی در حد امکان انجام نشود. به‌نظر می‌رسد به مانند هر نیروی فعال سیاسی بازار هم به دنبال منافع خود است. یعنی بازار بالذات محافظه کار است».

۲. نامیدی سیاسی: دومین عامل علی در به وجود آمدن بی‌اعتمادی تدریجی در بین مشارکت‌کنندگان، نامیدی و یأس از بهبود و گشايش سیاسی و اقتصادی است.

رسول: «عدم برخورد و ارتباط صادقانه و دلسوزانه مسئولین، مردم رو ازشون گریزان کرده. همین مشارکت‌هایی که ما تا حالا انجام دادیم، نتیجه‌اش چی شده؟ او مدن به هر بهونه و وعده و وعیدی مردم رو کشوندن به صحنه. بعد گفتن بینید این مردم ما رو می‌خوان که او مدن تو صحنه. نه مردم اتفاقاً او مدنند که تغییر ایجاد کنند. اما همیشه دست‌خالی برگشتند (مردم). مشارکت سیاسی من نه در جریان سود و زیان بازار تأثیر داره نه در جریان داخلی و خارجی سیاست کشور. کی و کجا به خواست و حرف مردم

اتفاقی افتاده؟ اما آقایون سرشون فعلًاً گرم چپاول مملکته. این چیزا برashون مهم نیست». فریبرز: «زیرا آن را برای کسب‌وکار خود خطرناک می‌دانند. یعنی اکثریت بازار این مشارکت‌ها را به سود خود نمی‌دانند برای اینکه امیدی به تغییر ندارند و قالب‌های سیاسی را در ایران بسیار مستحکم‌تر از آن می‌بینند که بتوانند تأثیرگذاری ملموسی بر روی آن داشته باشند».

۹. شرایط مداخله‌گر به وجود آور نده پدیده بی‌اعتمادی تدریجی

۱. بی‌انجمانی: بی‌انجمانی، بیانگر وضعیت یک جامعه نسبت به رشد و پیشرفت جوامع دیگر در زمینه‌های گوناگون است و تمام وجود مناسبات اجتماعی انسان از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و قوانین را شامل می‌شود. درباره پاسخ چیستی عقب‌ماندگی، پاسخ‌ها و تعابیر گوناگونی مطرح شده است. بی‌قانونی و نبود سازمان‌های مدرن، بی‌سودایی، فقر، فقدان امکانات، پایین بودن سطح اخلاق در جامعه و وجود استبداد نمونه‌هایی از این مواردند (علمداری، ۱۳۹۲: ۳۴). بنابر آنچه گفته شد، بی‌انجمانی که از تبعات شکست‌ها و نادرستی تصمیمات کلان در ساختار حکومت‌هاست، امروزه در ایران، به یکی از شرایط مداخله‌گر، در راستای ناامیدی و بی‌اعتمادی تدریجی مردم بدل گشته است.

بابک: «ازنظر من مشارکت سیاسی یعنی هرگونه فعالیت (یا حتی منفعل بودن) که منجر به جابه‌جایی قدرت یا تأثیر قدرت روى مردم داشته باشد اطلاق می‌شود. اين مشارکت فکر می‌کنم به صورت نهادهای مردمی و سندیکاهای مستقل باید باشد. چون اقتصاد ما سیاست‌زده است هر فعالیت اقتصادی که اتفاق می‌افتد به شکلی مشارکت سیاسی است. پس فساد و انصاف چه به صورت کوچک و بزرگ آن به شکلی مشارکت سیاسی است. بنابراین بازاری‌ها در ایران همواره در حال مشارکت سیاسی هستند (مخصوصاً جایی که قانون ضعیفه یا تیغ عدالت کنده). من و خیلی‌های دیگر به علت خودخواهی یا عدم بیشن اجتماعی مترقبی مطالبه‌گری کمی داریم. و فقط رفتار اقتصادی و کارافرینی ما به شکلی مشارکت اجتماعی حساب می‌شه. من تجربه‌ای نداشتم

(حضور در گروه‌های ثانویه). ولی تا این سندیکاهای مستقل از حاکمیت و فرهنگ‌های مذهبی وابسته به قدرت نباشند قابل پذیرش از سمت توده بازار نیستند و فقط نوعی نمونه ضعیف شده حاکمیت است».

حمید: «ببینید، نتیجه همه این بی‌تدبیری‌ها در عرصه‌های اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی، می‌شه پس افتادن حکومت و کل جامعه. قبل از انقلاب ما در فکر ژاپن شدن بودیم. الان حتی نمی‌تونیم خودمون را با افغانستان و پاکستان مقایسه کنیم. چرا؟ چون آقایون ما رو عقب بردند. ثروت و منابع ملی و سرمایه‌های انسانی رو غارت کردند. هیچ‌کسی که سرش به تنش بیارزه و بتونه بره از ایران، تمایلی به ماندن ندار. ما به معنای واقعی کلمه، پی افتادیم. یک عقب‌گرد با شتاب و تمام عیار».

۲. اقتدارگرایی: یکی از شاخص‌های مهم توسعه در هر کشوری، وجود و تناسب آزادی‌های مدنی، هماهنگ با استاندارهای بین‌المللی است. ازنظر دال، هرچه میزان اقتدارگرایی حاکمان یک جامعه‌ای بیشتر باشد، میزان مشارکت افراد آن جامعه کاهش می‌یابد. اگر افراد جامعه، بعد از بیان نظرها و انتقادهای خود، احساس امنیت نکنند و همواره در انتظار برخوردهای تنبیه‌ی و مجازات‌گونه از سوی نظام باشند، این یکی از شرایط مداخله‌گر در ایجاد عدم مشارکت و بی‌اعتمادی خواهد بود. عباسی، در مورد آزادی بیان و عقیده می‌نویسد: «آزادی عقیده و بیان از یکدیگر جداشدنی نیستند، آزادی نخست بدین معناست که یک شخص بتواند آن‌گونه که می‌خواهد فکر کند و آزادی دوم، ابراز و برهملا کردن عقاید و افکار برای دیگران از راه وسایلی همچون سخن گفتن، رسانه‌ها، مطبوعات و آموزش، نمایش، سینما، رادیو و تلویزیون و ... است. این آزادی‌های دوقلو برای شکوفاندن هر یک به دیگری نیازمند است» (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). از سوی دیگر، رضوانی نیز براساس رأی فلاسفه، وجود آزادی بیان را با شرایط ذیل، محدود و مورد نقض می‌داند.

- در وضعیت تضاد بین دو یا چند حق بنیادین،

- در وضعیت تضاد بین محتوای روشن یا نیمه‌روشن (مبهم) یک حق،

- در وضعیت تضاد بین یک حق بنیادین و خطر جدی و شدید تهدیدکننده جامعه،
- در وضعیت تضاد بین حقوق و هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اساسی یک جامعه (رضوانی، ۱۳۹۵: ۸۳).

احسان: «از طرف دیگر، شما با خودت فکر می‌کنی و یه نگاه به تجارب و اتفاقات این چند سال می‌ندازی. می‌بینی اونایی که حرف درست رو زند، یا به تخلفات و فسادها و رانت‌خواری‌ها اعتراض کردند، الان یا کشته شدند یا با حکم‌های سنگین در زندان‌های طولانی‌مدت دارند می‌پوستند. آیا می‌توانی بیای وسط برای مشارکت؟ خب حرف منم دقیقاً حرف اونایی هست که الان زندان هستند یا متواری شدند. وقتی من نمی‌تونم حرفم رو بزنم، بیام وسط بگم چی؟».

احمد: «پس‌رعموی من در سن ۱۷ سالگی به عنوان مخالف سیاسی زندانی شد و در سن ۲۷ سالگی از زندان آزاد شد. شما فکر کن یه نوجوان ۱۷ ساله چطور می‌تونه مخالف سیاسی باشه؟ قطعاً این‌جور برخوردها باعث می‌شه یک زهرچشمی از مخالفان و حتی بی‌تفاوت‌ها بگیرند. در این چنین فضای رعب و وحشتی که یا باید تابع باشی یا هزینه‌های هنگفت (زندان، جریمه و حتی مرگ) پرداخت کنی، ترجیح می‌دم سکوت کنی».

۱۰. راهبردها مشارکت‌کنندگان

۱. دموکراسی اتحادیه: براساس نظریه سیمور مارتین لیپیست، افرادی که در اجتماع شغلی فعال‌ترند، میزان علاقه، تعهد و درگیری سیاسی آنها نیز بیشتر است، بنابراین، درجه بالای مشارکت اجتماعی با نتایج سیاسی که به بار می‌آوردند، ارتباط دارد. این راهبرد، از طرف اکثر مشارکت‌کنندگان به عنوان یک راه حل برای حل بحران بی‌اعتمادی به وجود آمده بین مردم و حاکمیت، ارائه شد. منظور از دموکراسی اتحادیه، اهتمام مسئولان برای حل و فصل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از همه پرداختن به مسائل و مشکلات داخلی و ایجاد گشودگی سیاسی اجتماعی است.

مرتضی: «شرایط و زمینه‌های ایجاد مشارکت در بین مردم، روراستی با مردم و

شفافیت کامله. خشک کردن ریشه عمیق فساد اقتصادی و پارتی‌بازیه. وجود داشتن قضاتی شجاع و عادل و مستقله. اهمیت واقعی دادن به مردمه. تا این اتفاق‌ها نیافتند، مشارکتی صورت نمی‌گیرد اگر هم صورت گیرد، کاملاً نمایشی و ساختگیه».

محمدحسین: «اما در کل اقتصاد کشور از بازار و تجارت می‌گذره. همه دولت‌ها باید یه محیط امنی رو برای تاجران و سرمایه‌داران فراهم کنند. تا فرار سرمایه رخ نده. اما خب ما توی این چند سال چه امنیت سرمایه‌گذاری داشتیم؟».

۲. کاهش دخالت‌های سیاسی نظامی: گستره حوزه ورود و دخالت‌های نظامی و سیاسی به حوزه‌های اقتصادی و عمومی، از نظر بسیاری از کارشناسان و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و اقتصادی، به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی، آزادی‌های مدنی و همچنین ایجاد شکاف و عدم اعتماد مردم به نظام سیاسی است. «افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت (اعم از منابع اجبارآمیز و غیر آن) احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهد و از این‌رو مانع توسعه سیاسی می‌شود» (غنى‌نژاد، ۱۳۹۵). «عمولاً در شرایط بحران‌های ساختاری، کنترل حکومت بر انواع منابع افزایش می‌یابد. این بحران‌ها را می‌توان در افول نظام سیاسی، انقلاب سیاسی، ضعف ملی و اقتصادی در قبال نظام بین‌المللی عدم پیدایش نظام سیاسی همبسته و منضبط جدید و نزاع بر سر قدرت سیاسی یافت. همچنین کنترل متمرکز بر منابع مختلف در فرایند اولیه تکوین دولت‌های ملی مدرن (دوران حکومت‌های مطلقه) به دلیل ساختاری ضرورت می‌یابد. به‌حال پیدایش کنترل متمرکز بر منابع پیش از گسترش مشارکت در قالب سیاسی مانعی بر سر راه توسعه سیاسی به معنای مورد نظر ما ایجاد می‌کند. زیرا کنترل حکومت بر منابع قدرت بر میزان اقتدار و تمرکز قدرت در حکومت می‌افزاید و از امکان رقابت و مشارکت سیاسی می‌کاهد. تمرکز منابع مختلف در دست حکومت ممکن است کارایی حکومت را افزایش دهد، اما قطعاً مانع رقابت و مشارکت سیاسی خواهد شد و این به معنا عدم توسعه سیاسی است و مانع از آن خواهد شد» (غنى‌نژاد، ۱۳۹۵). بنابراین، مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز، کاهش این نوع دخالت‌ها و ردپاهای سیاسی و نظامی را

در گستره حوزه عمومی و اقتصادی، یکی از راهکارهای فائق آمدن بر بی‌اعتمادی تدریجی مردم به نظام سیاسی و افزایش مشارکت آنها، قلمداد می‌کنند.

فریبرز: «مثال به نظرم عضویت در بسیج را نمی‌توان هم‌ردیف عضویت در یک حزب سیاسی یا اتحادیه خاص دانست. به نظرم ارگان‌های نظامی در بازار بیشتر می‌تواند دافعه ایجاد نمایند تا جاذبه. زیرا اصل اساسی قرارداد و دادوستد را که ناشی از برابری طرفین است زیر سؤال می‌برند. در ضمن منطق یک فرد نظامی منطق اسلحه است که با منطق بازار در تضاد است».

موسى: «نمی‌شه در تمام کارهای مردم دخالت کرد. از وضعیت پوشش و حجابشان گرفته تا باورها و مناسک مذهبی شان. یعنی این حکومت به همه کار مردم کار داره الا به مطالبات واقعی‌شان. به نظرم سازمان‌هایی مثل بسیج یا سپاه باید از دخالت‌های رو به افزایش‌شان از حریم خصوصی مردم، بگاهند و محدود بشنند. مردم باید بتوانند تنفس کنند بدون دیکته کردن ایدئولوژی‌های شکست‌خورده».

۱۱. پیامدها

۱. ناهمدلی سیاسی: در این پژوهش، عمدۀ‌ترین و اصلی‌ترین پیامد بی‌اعتمادی تدریجی، عبارت بود از ناهمدلی سیاسی. این پیامد با توجه به علل و شرایط مداخله‌گرها‌ی که قبلًا توضیح آنها آمده است، پیامدی مورد انتظار بهشمار می‌رود. سرکوب و فضای اختناق و مسدودیت‌های ارتباطی با نظام یکی از عمدۀ دلایل این پیامد است «سرکوب ادراک شده، به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های زمینه سیاسی، به معنای محدودیت نظام‌مند ادراک شده از جانب شهروندان در شیوه حکومت است. نظام‌ها و حامیانشان سرکوب سیاسی را به‌منظور کاهش یا ممانعت از فعالیت‌های مخالفان خود یا محدود کردن سطح و ماهیت تقاضاهای شهروندان از نظام و دولت به کار می‌گیرند» (عبدی، قلی‌پور و پیران‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۷). هوشنگی و جعفرپور نیز از بین رفتن اعتماد بین مردم و نظام سیاسی را از جمله عوامل کاهش مشارکت سیاسی دانسته

و می‌نویستند: «اعتماد اصلی ترین جزء سرمایه اجتماعی یک نظام سیاسی بهشمار می‌رود. برقراری فضای اعتماد میان دولت و ملت موجب تعامل بیشتر و بهتر آنها و افزایش مشارکت سیاسی مردم و کارایی نهادهای سیاسی می‌گردد و در مقابل کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر بهاجبار)، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد خیلی حاد موجب بحران مشروعیت می‌گردد» (هوشنگی و جعفرپور، ۱۳۹۱: ۱).

مرتضی: «مشارکت سیاسی مردم در صورتی می‌توانه در زندگی شون تأثیر بذاره که افراد منتخب شده عزم و توان تغییر و اصلاح داشته باشند. که تجربه نشون داده همچنین اتفاقی نمی‌افته. نتیجه دیگه ش اینه که وقتی ۴۰ سال پیش همین مردم جونشون رو برای اهداف این نظام می‌دادند الان انقدر بهشون بدین هستند که حاضر نیستند در هیچ مشارکتی وارد بشنند».

محمدحسین: «مثالاً ظاهراً ما در ایران انتخابات داریم و مهم‌ترین زمانی که مردم می‌تونن وارد مشارکت بشنند همین انتخاباته. اما عملاً بارها دیدیم چه در تهران چه در شهرستان‌ها و حتی روستاهای این انتخابات سالم برگزار نمی‌شه. از انتخابات نمایندگان اصلاح، تا تقلب در تبلیغات و رأی خریدن و تطمیع گرفته تا دهها تخلف ریز و کلان دیگه. بعد که آقایون یا خانم‌ها وارد شغل و پست و مقام جدیدشون می‌شن کلاً شعارها و برنامه‌هایشون رو فراموش می‌کنند. بعد می‌بینی تو موندی و همون مشکلات نخنا شده قدیمی با کلی مشکلات جدید».

۲. پسروی سیاسی، اقتصادی: پیامد دیگر بی‌اعتمادی تدریجی در مردم، پسروی سیاسی و اقتصادی است. پیامدهای این پسروی، وجود انواع تحریم‌های اقتصادی - سیاسی، مشکلات و کم‌کاستی‌های مدیریتی، نارضایتی‌های داخلی، اقتصاد و سیاست رانی است. افشین: «این تناسبات تأثیر زیادی بر زندگی مون گذاشته. روزبه‌روز بر مشکلات افزوده می‌شه. تمام مشکلات مردم هم‌چنان پابرجاست و روزبه‌روز این سختی‌ها بیشتر

می‌شه. حداقل تا قبل از دوره احمدی‌نژاد که شرایط بازاریان و مردم تا حدودی بهتر بود. تورم مثل الان بالا نبود و دخل و خرچ مردم تا حدودی در تناسب بود تا بحث یارانه‌ها و تحریم‌ها پیش اوشد. عدم توجه دولت به مشاغل و عدم حمایت از آنها باعث شده که روزبه‌روز شرایط واسه مردم و خصوصاً بازاریان روزبه‌روز بدتر و بدتر می‌شه. خیلی از بازاریان ورشکست شدن و خیلی از این قشر بیچاره به خاطر ورشکستگی و بدھی توی زندان بهسر می‌برند. من خیلی‌ها رو می‌شناسم که الان در زندان هستند. همین افزایش قیمت بنزین هست که باعث افزایش کرایه‌ها شد و به‌تبع آن قدرت خرید مردم واقعاً پایین اوmd و وقتی قدرت خرید مردم پایین بیاد طبیعتاً روی کسب‌وکار تأثیر منفی می‌ذاره از طرفی هزینه‌ها، مثل هزینه‌های اجاره‌بها، آب، برق، تلفن، افزایش پیدا می‌کنه». حمید: «نتیجه این کارها در این چهل و اندی سال شده فقیرتر شدن ملت. ملت عمالاً زیر بار هزینه‌های کمرشکن و عدم درآمد کافی که خودش به خاطر عدم امنیت اقتصادی و سیاسی هست، دارند جون می‌کنن. یک ورشکستگی سیاسی و اقتصادی بر این جامعه حاکم شده».

۱۲. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فشار دو جانبه سیاست بر اقتصاد و نامیدی سیاسی از شرایط علی سبب به وجود آمدن بی‌اعتمادی تدریجی در بین بازاریان و کاهش تدریجی مشارکت‌های سیاسی آنها در دهه اخیر شده است. عقب‌ماندگی سیاسی - اجتماعی و عدم وجود آزادی بیان، از عوامل مداخله‌گر در به وجود آمدن بی‌اعتمادی تدریجی بهشمار می‌رود. در این پژوهش، خط اصلی داستان، عبارت بود از عدم اعتماد و از دست رفتن تدریجی آن نسبت به مسئولان و رهبران سیاسی که اکثریت مشارکت‌کنندگان، به آن اذعان داشتند. شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور طی سال‌های بعد از انقلاب بهویژه سال‌های اخیر، به‌دلیل فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، شرایط زندگی و معیشت مردم را با تنگنا مواجه کرده است. ازسوی دیگر، نامیدی از اصلاحات اقتصادی و سیاسی پایدار و تأثیرگذار (به‌دلیل رواج فساد و

بی‌سامانی اقتصادی و سیاسی) موجب شده مشارکت کنندگان اعتماد خود به حاکمیت را از دست بدنهن و مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی خود را در جریان و سمت‌وسی مشی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور دخیل نمی‌دانند. براساس یافته‌های این پژوهش، تدابیر اصلاحی عمیق و عدم دخالت‌های نظامی و سیاسی در مسائل اجتماعی و اقتصادی، راهبرد مورد توافق مشارکت کنندگان برای فائق آمدن بر شرایط کنونی و مشکلات عدیده سیاسی و بهویژه اقتصادی است.

منابع

- ازکی، مصطفی، و احمد رش، رشید، و پارتازیان، کامبیز (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد دوم، چاپ اول، تهران: کیهان.
- بهشتی سرشت، محسن؛ رحیمی، عبدالرحیم؛ آدینه وند، مسعود (۱۳۹۴). جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه (۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ م)، پژوهش‌های تاریخی دوره جدید، سال هفتم، (شماره ۳ پیاپی ۲۷).
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در بهبود مشارکت سیاسی از دیدگاه روستاییان مورد شناسی: شهرستان اردبیل، جغرافیا و آماش شهری - منطقه ای، (۶۲).
- دهقان، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله‌های شناسی ایران، دوره ۶، شماره (۱).
- دهقان نژاد، مرتضی؛ رستمی، عادل؛ متظرالقائم، اصغر (۱۳۹۶). بررسی تحلیل زمینه‌ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، بر اساس «مدل بسیج» چالز تیلی (۱۳۴۰-۱۳۵۷)، فصلنامه علمی رهیافت، دوره ۱۱، شماره (۴۰).
- رستمی، عادل، و دهقان نژاد، مرتضی، و محمودآبادی، اصغر (۱۳۹۸). تاثیر سیاست‌های اقتصادی در تقابل بازاریان با حکومت در عصر پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش)، فصلنامه گنجینه استاد، شماره (۱۱۵).
- رضوانی، سید حسین (۱۳۹۵). حق آزادی بیان و مسئولیت بین‌المللی کشورها در قبال آن، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره (۴).

- زارعی، غفار، و کولیابی، حدیثه(۱۳۹۵). نقش طبقه بازار در تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس پژوهش‌های نوین و مدیریت دانش در علوم انسانی، تهران.
- عبدی، نغمه، و قلی پور، آرین، و پیران نژاد، علی(۱۳۹۳). شناسایی عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی، فرایند مادریت توسعه، دوره ۲۷، شماره (۲).
- عباسی، بیژن(۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی های بنیادین، تهران: انتشارات دادگستر.
- علمداری، کاظم(۱۳۹۲). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، چاپ هجدهم، تهران: توسعه نشر.
- علیئی، محمدولی(۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نخبگان(بررسی نخبگان علمی شهر تهران)، رساله دکترا، رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- غنى نژاد، موسى(۲۰۰۸)، فرهنگ سیاسی ایران. www.bbc.com/persian
- فیرحی، داود(۱۳۷۷). مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، قم: مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم(ع)، دوره اول، شماره (۱).
- مرادی پیام، فرشید، و هادی زاده، ندا، و یونسی، فاطمه (۱۳۹۴). آسیب شناسی بی اعتمادی اجتماعی در جامعه و ارائه راهکارهای مقابله با آن، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران.
- قدس جعفری، محمد حسن، و باقرزاده، فیروز(۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، شماره (۱).
- میلانی، جمیل(۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودبازری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، مجله اقتصادی، شماره (۷ و ۸).
- هوشنگی، حمید، و جعفرپور، رشید(۱۳۹۱). ریشه‌ها و زمینه‌های بی اعتمادی سیاسی در جامعه ایرانی در دوره رژیم پهلوی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره (۲).
- Abbasi, Bijan (2011). *Human Rights and Fundamental Freedoms*, Tehran, Dadgostar Publications, (in Persian).
- Ahmadi, Yaaghoub, Mohammadzadeh, Hossein and Majidi, Aboubakr (2018). "Typology of Political Culture of Kurdistan Province's Students Based on Social-Cultural Variables", *Practical Sociology*, Year 29, No. 1 (in a row 69), (in Persian).
- Alamdar, Kazem (2013). *Why did Iran lag behind and West move forward?*, Eighteenth Edition, Tehran: Tose'eye Nashr, (in Persian)
- Aliei, Mohammadvali (2010). *Factors Influencing Elites' Political Participation* (Analysis of Tehran City's Elites), Ph.D. Thesis, Sociology Field, Social Sciences Department, Allame Tabatabaei University, (in Persian)
- Azkia, Mostafa, Ahmadrash, Rashid and Partazian, Kambiz (2017). *Methods of Qualitative*

- Research from Theory to Practice*, 2nd Volume, First Publication, Tehran: Keyhan, (in Persian).
- Azchia, Mostafa; Ghaffari Gholamreza (2010). *Contemporary Social Theories with a Development Approach*, Tehran: Elm Publication, (in Persian).
- Beheshti Seresht, Mohsen, Rahimi Abdolrahim and Adinehvand, Masoud (2015). "The Position of Bazaars and Guilds in Political and Economic Developments of Iran from Reza Khan's Coup to the First decade of Reza Shah's Reign (1920-1931)", *Historical Research of the New Era*, Seventh Year, (No. 3 in a row 27), (in Persian).
- Dehghan, Alireza and Ghaffari, Gholamreza (2005). "Explaining the Socio-Cultural Participation of Students in Medical Universities in Tehran", *Iran sociology Magazine*, Period 6, No. 1167-98, (in Persian).
- Dehghannejad, Morteza, Rostami, Adel and Montazerolghaem, Asghar (2017). "Analysis of the Contexts and Factors of Bazaars' Confrontation with the Second Pahlavi Government, Based on "Basij Model" Charles Tilly (1962-1979)", *Rahyaft Scientific Quarterly*, Period 11, No. 40, (in Persian).
- Ebadi, Naghmeh, Gholipour, Arian and Pirannejad, Ali (2014). "Identification of Factors Influencing Political Capital", *Development Management Process*, Period 27, No. 2, (in Persian).
- Firhi, Davoud (1998). "The Concept of Political Participation", *Political Sciences Quarterly*, Qom: Bagherololum Institute of Higher Education, First Period, No. 1, (in Persian).
- Ghaninejad, Mousa (2008). "Political Culture of Iran", www.bbc.com/persian, (in Persian).
- Ghavam, Seyed Abdolali (1994). *Political Development and Administrative Evolution*, Second Edition, Tehran: Ghomes. (in Persian).
- Heidari Sareban, Vakil (2018). *Factors Influencing Political Participation from the Perspective of Villagers*, Case Study: Ardabil City, Geography and Urban-Regional Planning (62), (in Persian).
- Houshangi, Hamid and Jaafarpour, Rashid (2012). "The Roots and Backgrounds of Political Distrust in Iranian Society during the Pahlavi Regime", *Political Researches of Islamic World Quarterly*, Second Year, No. 2, (in Persian).
- Huntington, Samuel (1998). *Understanding Political Development*, Translation and Publication: Strategic Studies Institute (in Persian).
- Jakubowska, Urszula. and Kaniasty, Krys. (2015). *Predictors of Political Participation In Poland: Gender And Period Effects In The Context of Political Transformation*, Ceskosloveenska Psychologie.
- Lin, Y. H(2016). "Young Voters Non- Voting Behavior in Taiwan", *Asian Journal of Communication*.
- Mekonen, Desyalew. and Mulugeta Berihun Asfaw, K. (2016). Indigenous Voluntary Urban.
- Milani, Jamil (2015). "Resistance Economics and National Self-confidence, Opportunities and Challenges of Its Occurrence", *Economic Magazine*, No. 7 and 8, (in Persian).
- Moghaddas Jaafari, Mohammad Hassan and Bagherzadeh, Firouz (2002). "Analysis of Factors Influencing on Cultural Participation of Students of Kerman's Universities", *Culture Researchers Quarterly*, No. 1, (in Persian).
- Moradi Payam, Farshid, Hadizadeh, Neda and Younesi, Fatemeh (2015). *Pathology of Social Distrust in Society and Providing Solutions to deal with It*, The First National scientific research Congress on the Development and Promotion of Educational Sciences and psychology, Sociology and Socio-cultural Sciences of Iran (in Persian)
- Quaranta, M. (2016). "An apathetic generation? Cohorts' patterns of political participation in Italy", *Social Indicators Research*, 125(3).
- Rezvani, Seyed Hossein (2016). "The right to freedom of Expression and International

۶۸۹ تبیین جامعه‌شناسخی تنگناها و مشکلات ... (رضا غلامی زرنه، ابراهیم متقی و ...)

Responsibility of Countries towards It, Foreign Politics Quarterly", 30th year, No. 4, (in Persian).

Rostami, Adel, Dehghannejad, Morteza and Mahmoudabadi, Asghar (2019). "Impact of Economic Politics in Bazaars' Confrontation with Government in Second Pahlavi Period (1942-1979)", *Document Treasure Quarterly*, No. 115, (in Persian).

Silverman, D. (2013). *Doing Qualitative Research: A Practical Handbook*.

Stephen B. Wilson, Attorney at Law (1988). 35 South Park Place Suite 150 Newark Oh 43055
→ Tele: 740-345-4550. file:///C:/Users/Parii/Downloads/e2021033_chan_s

Strauss, Anselm and Corbin, Juliet (2011). *Theory of the Principals of Procedures and Practices*, Translation: Boyuk Mirzaei, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian).

Zarei, Ghaffar, and Koliae, Hadiseh (2016). *The Role of Bazaars in Political Changes of Islamic Republic of Iran*, Novel Researches Conference and Management of Science in Humanities, Tehran. (in Persian).